

ملاحظات پیرامون نرخ های سود بانکی در ایران

ابوالفضل اکرمی^۱ - سجاد مهدیزاده^۲



پیش گفتار

نرخ سود بانکی از جمله متغیرهایی است که نقش بسیار مهم و کلیدی در سیاست های پولی و روابط اقتصادی جوامع ایفا می نماید. طی سال های گذشته لزوم انجام بررسی های فراگیر و نگاهی جامع و همه جانبه در زمینه نظری و عملی، در خصوص مبحث نرخ های سود بانکی همواره احساس شده است. در اوایل سال 1378 پس از طرح پیشنهادهایی در زمینه تعدیل نرخ های سود بانکی از سوی برخی کارشناسان و سیاست گذاران اقتصادی و طرح مباحث بعضاً غیر کارشناسی و آمیختگی تحلیل های تخصصی و غیر تخصصی در برخی جراید، لازم دیده شد که به منظور پیش گیری از

1 - رئیس دایره پولی اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی.

2 - محقق دایره پولی اداره بررسی ها و سیاست های اقتصادی.

اتخاذ هرگونه تصمیم قبل از انجام بررسی‌های همه جانبه، مطالعاتی در این زمینه آغاز گردد. با توجه به جوانب امر ابتدا در زمینه نظری موضوع مطالعاتی انجام شد. پس از این مراحل با جهت‌گیری به سمت جوانب کاربردی امر و امعان نظر به الزامات قانون عملیات بانکی بدون ربا و شرایط اقتصاد ایران، مطالعات ادامه یافت و به این منظور سعی گردید تا جهت تعیین نرخ‌های سود از برخی شاخص‌ها و معیارهای اقتصادی استفاده گردد. در ضمن جهت آگاهی هرچه بیشتر از تبعات تصمیمات متخذه، مطالعات وسیعی درخصوص تاثیر تغییر نرخ‌های سود بر واحدهای تولیدی و نیز ساختار مالی بانک‌ها صورت پذیرفت و نهایتاً در طول سال‌های برنامه سوم توسعه، با توجه به شرایط اقتصاد کشور و خطوط کلی سیاست‌های اقتصادی، شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی تغییراتی را در نرخ‌های سود سپرده‌ها و تسهیلات اعمال نمودند. در این نوشتار گزیده ای از گزارش‌های متعدد تهیه شده، ارائه می‌گردد.

۱- مقدمه

ضرورت حفظ استقلال اقتصادی و وجود موانع و مشکلات در مسیر تحرک سرمایه به ویژه در کشورهای در حال توسعه ایجاب می‌کند که در تأمین منابع لازم جهت انجام سرمایه‌گذاری، اتکای اصلی بر منابع داخلی متمرکز گردد. در این قبیل کشورها جذب و تجهیز پس‌اندازهای کوچک و بزرگ از طریق شبکه بانکی در تأمین سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی تأثیر بسزایی خواهد داشت. در کشور ما نیز به جهت شرایط کنونی اقتصاد، مشکلات موجود در گسترش زمینه‌های تولیدی، تجهیز کارآمد پس‌اندازهای خصوصی و هدایت و نظارت آن در مسیر فعالیت‌های مولد و اشتغال‌زا، به گسترش ظرفیت‌های تولیدی منجر شده و در نهایت، ضمن تأمین رشد اقتصادی از تشدید فشارهای تورمی جلوگیری می‌کند. از عمده‌ترین کاستی‌ها و

ضعف‌های موجود در ارتباط با جذب منابع سپرده‌ای در برخی از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، مسئله پایین بودن نرخ سود بانک‌ها در مقایسه با نرخ تورم است. به طوری که طی سالیان متمادی در کشور، تورم از نرخ سود سپرده‌های بانکی پیشی گرفته و عملاً سود منفی به این سپرده‌ها تعلق می‌گیرد. از طرف دیگر برخی از مسئولین اقتصادی و سیاسی عقیده دارند که نرخ‌های سود بانکی در سطح بالایی بوده و لازم است با کاهش آن، به رونق سرمایه‌گذاری و تولید کمک کرد.

در این گزارش ضمن مرور اجمالی بر کارکرد نرخ بهره در بانکداری متعارف، به بررسی عوامل موثر بر تعیین نرخ سود در اقتصاد ایران پرداخته و به سطح آن از نقطه نظر تعادلی با توجه به مولفه‌های اقتصادی اشاره می‌گردد. سپس آثار کاهش نرخ‌های سود بدون توجه به محیط اقتصاد کلان و شاخص‌های اقتصادی مورد بررسی می‌گیرد.

۲- کارکرد نرخ‌های بهره در اقتصاد

امروزه بانک‌های مرکزی از طریق ابزارهای مستقیم و غیرمستقیم نظیر ذخایر قانونی، تسهیلات اضافه‌برداشت، سقف اعتباری و همچنین ابزارهای فعال در بازار از قبیل عملیات بازار باز، تنزیل مجدد، سیاست‌های عقیم‌سازی و سپرده‌های دولت در اجرای سیاست‌های پولی کشورها ایفای نقش می‌نمایند. در نظام‌های اقتصادی متعارف مسایلی از قبیل تعیین سطوح نرخ ارز، نرخ تورم، نرخ بهره و رژیم‌های حاکم بر تغییرات آنها از یکسو و ارتباط این متغیرها در اقتصاد کلان کشورها از سوی دیگر در چارچوب سیاست‌های کلان پولی هدفدار تعیین می‌شود. اگرچه این نظام‌ها در مورد کشورهای مختلف با توجه به سطوح توسعه یافتگی کشورها، نهادهای مالی و پولی مختلف و درجه ارتباط و ادغام آنها در نظام تولید و تجارت جهانی متفاوت است، اما اقتصادهای مولد و

دارای سلامت از نظر ساختار و معیار کارکرد، نشان دهنده اشکال مشخصی از رژیم‌های یاد شده می‌باشند.

صرف نظر از رژیم‌های پولی که در کشورهای مختلف به کار گرفته شده است، چند اصل مسلم اقتصادی در این کشورها مورد توجه سیاست‌گذاران پولی بوده است. سیاست پولی باید به صورت هدفدار در خدمت اهداف کلان اقتصاد نظیر تشویق رشد تولید و سرمایه‌گذاری، تسهیل تجارت، ایجاد اشتغال، تثبیت قیمت‌ها، و تامین تعادل و پویایی بخش مالی و بخش خارجی اقتصاد باشد. بدین منظور اولین اقدام اساسی تثبیت واسطه‌گری مالی و جلوگیری از واسطه‌گری مالی است که اقتصاد ملی را از حالت پایداری، پویایی و انسجام بخش مالی به وضعیت غیرمولد، بی‌ثبات، سوداگرانه و حاشیه اقتصاد جهانی سوق می‌دهد.

در تنظیم و اجرای سیاست‌های کلان، از جمله سیاست پولی، باید ترکیب متوازن و با ثبات نرخ‌های بهره، ارز و تورم به صورت هماهنگ و در آرایشی ماندگار و با دوام در میان مدت تامین شود. بی‌توجهی به توازن و ترکیب متناسب این نرخ‌ها، اقتصاد ملی را در فرآیند عدم تعادل قرار می‌دهد که تثبیت بخش مالی را به زیان بخش واقعی و به سود واسطه‌گری‌های دلال منشانه زودنگر برهم می‌زند.

در آرایش متوازن نرخ‌های ذکر شده، بالاتر بودن نرخ بهره نسبت به تورم، یکی از شروط لازم برای مولد بودن اقتصاد ملی تلقی می‌شود. از طرف دیگر چنانچه سطوح پایه متغیرهای مورد اشاره درست انتخاب شده باشد، آنگاه برابری تغییرات نرخ ارز حداقل در سطح نرخ تورم، متضمن ثبات بخش خارجی اقتصاد نیز خواهد بود.

به این ترتیب تورم به معنای کلیدی ترین شاخص تعیین کننده سطوح حداقل نرخ بهره و تغییر نرخ ارز نقش اساسی در توسعه و رشد اقتصادی بعهدده خواهد داشت و برای تامین تعادل و توازن ذکر شده می‌باید سطح آن در حداقل ممکن حفظ گردد.

۱-۲- نرخ بهره در بانکداری متعارف

در اقتصادهای پیشرفته امروز، نرخ بهره نقش عمده‌ای را در هدایت، اجرا و تامین اهداف سیاست‌های پولی ایفا می‌نماید. در اکثر کشورهای صنعتی و کشورهای با نرخ تورم پایین، بانک‌های مرکزی از طریق تغییر نرخ بهره کوتاه‌مدت بازار، به عنوان هدف عملیاتی و سپس با استفاده از عملیات بازار باز و سایر ابزارهای سیاست پولی، به منظور نگهداری نرخ‌ها در محدوده هدف عملیاتی، سیاست‌های پولی را تنظیم می‌نماید. در این کشورها علاوه بر هدف عملیاتی، اهدافی از قبیل نرخ رشد نقدینگی نیز جهت دستیابی به ثبات قیمت‌ها و رشد تعیین می‌شود. در این صورت هدف عملیاتی مربوط به نرخ‌های بهره کوتاه‌مدت نه تنها به اهداف میانی بلکه به اطلاعات در دسترس و نیز استنباط بانک مرکزی در خصوص مکانیزم اشاعه پولی (Monetary Transmission Mechanism) بستگی کامل دارد.

نرخ سود (بهره) به عنوان یکی از متغیرهای مهم در بازار پول در عرضه پول نیز تاثیرگذار می‌باشد. مطالعات انجام شده (از قبیل مطالعات کوپر، راشه، مودیگیلیانی، هندرشات، دیولیو) حاکی از آن است که افزایش در نرخ‌های سود از طریق کاهش ذخایر آزاد (FR) و افزایش تفاضل ذخایر غیراستقراضی از ذخایر آزاد (UR-FR) باعث افزایش عرضه پول می‌گردد. لذا افزایش نرخ‌های سود می‌تواند از مجرای ذخایر آزاد، باعث افزایش عرضه پول گردد.^۱

یکی از تاثیرات مهم تغییر نرخ‌های سود بانکی، تغییر در پرتفولیوی افراد جامعه است. بطور طبیعی یک فرد دارایی‌های خود را در قالب مجموعه‌ای از شقوق دارایی نگهداری می‌نماید. بطور مثال در سبد دارایی یک فرد می‌توان به مجموعه‌ای شامل پول نقد، سپرده بانکی، کالاهای بادوام، طلا و ارز، سهام و... اشاره کرد. فرد در تصمیم‌گیری خود در نحوه تخصیص دارایی خویش به هر یک از شقوق یاد شده به دو عامل ریسک و بازده توجه دارد. با فرض ثبات شرایط ریسک هر یک از این دارایی‌ها، طبیعتاً عامل نرخ بازدهی نقش اصلی را در نحوه تخصیص دارایی فرد ایفا می‌نماید. براین اساس تعیین نرخ سود بانکی در سطحی بالاتر از نرخ بازدهی سایر شقوق می‌تواند باعث جذب بخش عمده دارایی فرد به بانک‌ها شود. از طرف دیگر تعیین نرخ‌های سود بانکی به نحو غیرمنطقی و در سطح پایین به طوری که جذابیت سپرده‌گذاری در بانک‌ها را از بین ببرد، می‌تواند به تضعیف منابع مالی بانک‌ها و هجوم منابع به سمت سایر بازارها منجر شود.

در کشورهایی که از ابزار غیرمستقیم پولی استفاده گسترده دارند و نرخ‌های آنها از انعطاف‌پذیری کافی برخوردار است، اجرای سیاست‌های پولی بر روی حجم ذخایر بانک‌ها و نرخ بهره در بازار غیرمتمشکل پول تاثیر قابل توجهی دارد. این مسئله به نوبه خود بر روی هزینه دسترسی افراد و موسسات به اعتبارات بانک‌ها و همچنین نرخ‌های سپرده‌ها و عرضه پول اثر می‌گذارد و از این طریق نهایتاً متغیرهای واقعی اقتصاد از قبیل مصرف خصوصی، سرمایه‌گذاری، جریان سرمایه و تولیدات و قیمت‌ها، تحت تاثیر قرار می‌گیرند و از طرف دیگر تغییرات متغیرهای مربوط به تولید و قیمت‌ها به نوبه خود بر روی نرخ‌های استقراض و سپرده‌گذاری اثربخشی دارند. لذا در این سیستم‌ها تعادل به طور خودکار برقرار می‌گردد.

من حیث المجموع از این مباحث می‌توان نتیجه گرفت که نرخ‌های سود به صورت دوجانبه در اقتصاد عمل می‌نماید. از یک طرف افزایش زیاد این نرخ‌ها بدون توجه به وضعیت نرخ‌های بازدهی در سایر حوزه‌ها، می‌تواند به بروز ضعف و رکود در سایر بازارها و افزایش بی‌دلیل هزینه منابع مالی بانک‌ها منجر گردد. از طرف دیگر تعیین نرخ‌های سود در سطوحی پایین می‌تواند به تضعیف منابع مالی بانک‌ها و هجوم سرمایه از حوزه‌های بانکی و مولد به سمت حوزه‌های سفته‌بازی منجر شود. لیکن دو نکته همواره باید مدنظر قرارداشته باشد. اول آنکه در هر حال نرخ‌های سود واقعی در اقتصاد باید مثبت باشد. در غیراین صورت اقتصاد با وضعیت سرکوب مالی مواجه خواهد شد که ضررهای متعددی را برای بخش‌های مختلف اقتصاد بالاخص بخش‌های واقعی در برخواهد داشت. دومین مطلب آنکه نرخ سود باید متناسب با تغییر شرایط اقتصادی تغییر یابد، زیرا تثبیت نرخ‌های سود بدون توجه به شرایط اقتصادی می‌تواند نتایج معکوسی را دربرداشته باشد.

در بانکداری متعارف، نرخ‌های بهره به صورت ثابت (fix) و متغیر (flexible) در سطح وسیع کاربرد دارد. در چنین سیستم‌هایی امکان عقد قرارداد با نرخ ثابت و یا متغیر برای مشتریان به صورت داوطلبانه میسر می‌باشد. در قراردادهای با نرخ سود ثابت، تحولات آتی اقتصاد در آن بی‌تاثیر بوده و مشتریان ریسک‌گریز از آن استفاده می‌نمایند؛ لیکن در قراردادهای با نرخ سود متغیر، نرخ‌ها حسب شرایط اقتصادی و مطابق تحولات بازار تغییر می‌کند. تجهیز منابع نیز به جهت عدم محدودیت در نرخ‌های بهره سپرده‌ها در شرایطی کاملاً رقابتی صورت می‌پذیرد. وجود نرخ‌های متفاوت و یا به عبارتی چند نرخ در این سیستم معطوف به ارزیابی ریسک متقاضیان و نه بر مبنای حمایت و اعطای رانت بوده و لذا مطلوب و منطقی است.

۲-۲- قاعده تیلور

امروزه تحقیقات انجام شده در اقتصاد کلان، دلایل و شواهد بسیاری را آرایه می‌نماید که ضرورت برخورداری از یک "قاعده سیاستی"^۱ به جای اعمال سیاست‌های متغیر و هرازچندگاه را مطرح می‌نماید. طی دهه‌های اخیر به دنبال گسترش و برجسته شدن نقش سیاست‌های پولی در ایجاد ثبات و یا بی‌ثباتی در سطح عمومی قیمت‌ها و تولید و همچنین با توجه به مطالعات تجربی و نظری در خصوص ارتباط میان تورم و رشد اقتصادی، تلاش‌های فراوانی جهت معرفی الگوی باثبات برای هدایت سیاست پولی انجام پذیرفته است. براین اساس و به علت ارتباط بلندمدت میان عرضه پول و تورم، مهمترین نگرانی و اقدام سیاست‌گذاران و مقامات پولی در جهت کنترل تورم، کنترل حجم پول و نقدینگی محسوب می‌شود. به علت بی‌ثباتی تقاضای پول و در پی آن بی‌ثباتی رابطه میان تورم و نقدینگی به دلیل ابداعات مالی و نقش انتظارات، معرفی یک الگوی باثبات پولی با تاکید بر مکانیزم انتقال پولی و آرایه یک قاعده پولی مناسب طی دهه‌های اخیر در راس توجهات اقتصاد دانان واقع شد. معروف‌ترین قاعده پولی در این زمینه قاعده پولی "تیلور"^۲ می‌باشد که مبتنی بر تئوری نئوکینزین‌ها می‌باشد. براساس قاعده مذکور، نرخ بهره کوتاه‌مدت با توجه به مقیاس تورم و شکاف تولید تنظیم و تعدیل می‌گردد. اصولاً مبنای آرایه این قاعده سیاستی، درک این واقعیت است که یک سیاست پولی مناسب باید بتواند در جهات ذیل عکس‌العمل مناسب نشان بدهد. اول اینکه یک سیاست پولی مناسب باید هم نسبت به تغییرات تولید ناخالص داخلی واقعی و هم تورم، حساس باشد. ثانیاً سیاست‌های به کار گرفته شده در کنار اهداف مربوط به

1- Policy rule

2- Taylor rule

کنترل تورم و حفظ ثبات تولید، هیچگاه نباید بر تثبیت نرخ اسمی ارز تاکید نماید و متکی بر مداخله مداوم مقامات پولی باشد. ثالثاً نرخ بهره باید به عنوان یک ابزار سیاستی کلیدی قابل تعدیل و انعطاف پذیر باشد.

جهت بررسی کاربرد عملی قاعده سیاستی ذکر شده، تیلور فرمول خاصی را که مجموعه ویژگی‌های یاد شده را دارا بود، پیشنهاد نمود. براساس این قاعده سیاستی، با توجه به جهت تغییرات سطح تولید ناخالص داخلی واقعی و تورم، نرخ بهره کاهش و یا افزایش داده می‌شود. از ویژگی‌های اصلی قاعده سیاستی "تیلور"، سادگی آن و قایل شدن وزن و اهمیت برابر به دو متغیر تورم و شکاف تولید ناخالص داخلی است. براساس نظریه تیلور بانک‌های مرکزی باید سیاست‌های پولی خود و نرخ بهره را در عکس العمل به تورم و انحراف از تولید بالقوه (شکاف تولید)، تنظیم نمایند. براساس مطالعات وی، به کارگیری این قاعده موجب می‌شود که نرخ تورم در سطوح پایین کنترل شود و نیز نوسان شدید در سطوح تولید متوقف شود. این سیاست طی ۱۵ سال گذشته توسط کمیته بازار باز فدرال رزرو آمریکا (FOMC) به کار گرفته شد که نتایج مثبتی را نیز به همراه داشته است. قاعده تیلور از ویژگی سادگی برخوردار بوده و بر اساس بخش‌های چندگانه: تورم هدف‌گذاری شده توسط بانک مرکزی در بلندمدت، نرخ بهره "طبیعی" واقعی یا تعدیل شده با نرخ تورم، تعیین شدن نرخ بهره اسمی بلندمدت از مجموع دو عامل فوق، نرخ فعلی تورم و سطح تولیدات بنا شده است.^۱

1 - "Taylors Rule and Fed : 1970-1997", FRBSF Economic Review 1998, Number 3, pp 5-9

براساس تجربه برخی از کشورها، قاعده تیلور راهنمای مناسبی برای سیاست‌های پولی محسوب می‌شود و استفاده از این قاعده موجبات افزایش اعتبار سیاست‌گذار و کنترل بیشتر بر سطح عمومی قیمت‌ها و تورم را فراهم خواهد نمود.

۳- نرخ سود در اقتصاد ایران

روش و فرآیند تعیین نرخ‌های سود در نظام بانکداری دولتی کشور که مبتنی بر قانون عملیات بانکی بدون ربا است، با روش‌های تعیین نرخ در بانکداری متعارف متفاوت بوده و با ملاحظه بازدهی اقتصادی در بخش واقعی و به جهت دولتی بودن سیستم با نگاه حمایتی از بخش‌های اقتصادی تعیین می‌شود. در تعیین نرخ‌های سود سپرده‌ها این الزام وجود دارد که نرخ‌ها به گونه‌ای تنظیم شوند که حداقل جبران کاهش ارزش پول را بنمایند و در عین حال در یک جایگاه منطقی نسبت به شاخص‌های دیگر بازدهی اقتصاد کشور قرار داشته باشند. در صورتی که نرخ‌های سود علی‌الحساب سپرده‌ها در سطحی پایین‌تر از شاخص‌هایی همچون نرخ تورم، نرخ سود سهام، حداقل نرخ سود در بازار غیرمتشکل پولی، نرخ سود پرداختی به اوراق مشارکت و... قرار گیرند، سیستم بانکی کشور در جذب سپرده‌ها و تجهیز منابع بانکی با محدودیت‌های متعددی روبرو شده و تبعات منفی آن در بعد اعطای تسهیلات به بخش‌های مختلف اقتصادی و اثربرساختار مالی بانک‌ها، بسیار شدید خواهد بود؛ چرا که منابع سپرده‌گذاران اصلی‌ترین منبع در اعطای تسهیلات بانک‌ها به شمار می‌رود.

یکی از مسایل مهم در برآورد سود حاصل از تسهیلات بانک‌ها و تبدیل و تخصیص آن به سود سپرده‌ها، ملاحظات بسیار اساسی در تعیین حاشیه نرخ سود بانک‌ها می‌باشد. این حاشیه در سطحی تعیین می‌شود که نه تنها هزینه‌های عملیاتی و ریسک بانک‌ها را پوشش دهد، بلکه ملاحظات سیاستی قوی در زمینه بهبود ساختار مالی

بانک‌ها نیز در تعیین آن مراعات شود. به عبارت دیگر در این خصوص از یک طرف ملاحظات قانونی و حقوقی ناشی از الزامات قانونی عملیات بانکی بدون ربا به همراه عملکرد بخش‌های اقتصادی در نظر گرفته می‌شود و از طرف دیگر، کارآیی عملیاتی بانک‌ها و برنامه‌های تنظیمی-مقرراتی در جهت حفظ نسبتها و استانداردهای معمول در جهت تقویت بنیه مالی بانک‌ها اعمال می‌شود.

۱-۳- مکانیزم تعیین نرخ سود

تعیین نرخ‌های سود در نظام بانکداری کشور با توجه به نوع عقدانجام می‌شود. عقود مصرح در قانون عملیات بانکی بدون ربا از جهت ماهیت به دو دسته تقسیم می‌شوند، عقود غیرمشارکتی و عقود مشارکتی. در عقود غیرمشارکتی یا عقود با بازدهی ثابت، بانک می‌تواند حداقل و یا حداکثر نرخ سود را تعیین نماید. در این‌گونه عقود به جهت انتقال مالکیت، رابطه وام‌دهنده با سرمایه قطع می‌گردد، لذا تحولات آتی و تغییرات احتمالی وضعیت مالی فعالیت مذکور از جهت سود و زیان ارتباطی به سود و مطالبات بانک ندارد. در حالی که ماهیت مشارکت بر عدم تملیک به ضمان بنا شده است. بدین معنا که عاملین و مشارکین از سرمایه خود رفع ید ننموده بلکه مالکیت آنان استمرار می‌یابد. لذا در شرایط متعارف، هیچیک از طرفین در مقام بستانکار و یا بدهکار نیست. به عبارت دیگر، بانک به معنای تامین‌کننده کل و یا بخشی از سرمایه، نمی‌تواند خود را از نتیجه فعالیت موضوع مشارکت مجزا نماید. بررسی عملکرد بانک‌ها در زمینه اعطای تسهیلات در قالب عقود اسلامی نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد از تسهیلات به صورت غیرمشارکتی اعطا می‌گردد. در ۳۰ درصد باقیمانده نیز گرچه نمی‌توان نرخ از قبل تعیین شده‌ای را تثبیت نمود، لیکن باید نرخ و یا دامنه‌ای از نرخ‌ها لحاظ گردد تا از منظر بانک، مبنایی برای قبول یا رد پروژه‌ها در اختیار باشد و از نقطه نظر متقاضی

تسهیلات علامتی برای تصمیم‌گیری وجود داشته باشد. لیکن همان طوری که گفته شد در هر دو مورد، نرخ‌ها باید به گونه‌ای باشد که جبران کاهش ارزش پول را بنماید. در تعیین حداقل نرخ سود مورد انتظار بانک از تسهیلات اعطایی نیز توجه و تاکید بر متوسط بازدهی و عملکرد بخش واقعی بوده و معمولاً به شاخص تورم و تحولات شاخص‌های اقتصاد کلان و همچنین ملاحظات سیاستی در حمایت از برخی از بخش‌های اقتصادی تاکید ویژه می‌گردد. بدیهی است لازمه هر گونه کاهش در نرخ سود تسهیلات، کاهش بیشتر در پرداخت سود به سپرده‌گذارانی است که صاحب اصلی منابع بانکی هستند.

۴- بررسی وضعیت فعلی نرخ‌های سود بانکی

همان طور که در قسمت قبل ذکر شد، نرخ‌های سود علی الحساب سپرده‌های بانکی و حداقل نرخ سود مورد انتظار تسهیلات بانکی بنا بر مفاد قانون عملیات بانکی بدون ربا توسط شورای پول و اعتبار با توجه به عوامل مختلفی تعیین گردیده و معطوف به سازوکار بازار و مبتنی بر عرضه و تقاضا نمی‌باشد. بنابر این نرخ‌های سود ممکن است همواره بالاتر و یا پایین‌تر از نقطه تعادل باشد. براین اساس در این قسمت سعی می‌شود با توجه به برخی مولفه‌های اقتصادی، مسایل مرتبط با نرخ‌های سود بانکی مورد بررسی قرار گیرد.

● مقایسه نرخ سود پرداختی از سوی بانک‌ها در کشورهای مختلف و مقایسه آن با نرخ سود متداول در ایران، از جمله مقوله‌هایی است که همواره بحث‌ها و شبهات زیادی را به همراه داشته است، چرا که ماهیت نرخ‌های سود اسمی از نرخ‌های سود واقعی متفاوت بوده و عدم توجه به آن نتایج گمراه‌کننده‌ای خواهد داشت. لذا مقایسه نرخ‌های سود در کشورهای مختلف

باید با توجه به تورم رایج انجام گیرد. به عنوان مثال در کشوری که نرخ تورم سالانه در حدود ۱۶ درصد است، چنانچه نرخ سود ۱۶ درصد تعیین گردد، نرخ سود واقعی صفر خواهد بود. در کشور ما با توجه به نرخ تورم، نرخ‌های سود بانکی در سطح بسیار نازلی بوده و در بسیاری از سال‌ها سپرده‌گذاری در بانک‌ها یا سود واقعی منفی مواجه بوده است. تنها در چند سال اخیر و با کاهش نرخ تورم، برخی از انواع سپرده‌های بانکی از سود مثبت برخوردار گردیده‌اند. گفتنی است که طی سال ۱۳۸۲ نرخ تورم در سطح ۱۵/۶ درصد تحقق یافته است، این در حالی است که میانگین موزون سود انواع سپرده‌ها در حدود ۱۲ درصد و میانگین موزون سود انواع تسهیلات بانکی در حدود ۱۶/۶ درصد بوده است. لذا با در نظر گرفتن نرخ تورم، نرخ سود واقعی سپرده‌ها منفی و نرخ سود واقعی تسهیلات به حد صفر تنزل می‌یابد. بدیهی است چنین نرخ‌هایی از حد تعادلی خود بسیار پایین تر می‌باشد.

• در اقتصادهایی که قیمت‌ها به صورت دستوری تعیین نمی‌شوند، تقاطع منحنی‌های عرضه و تقاضا تعیین کننده سطح قیمت‌ها می‌باشد. در چنین سیستمی هرگونه انحراف از سطح تعادلی قیمت توسط نیروهای حاکم بر بازار تعدیل شده و مجدداً تعادل لازم برقرار می‌گردد. به طور مثال اگر قیمت بالاتر از نقطه تعادلی باشد، مازاد عرضه سبب کاهش قیمت از طرف عرضه کننده‌گان شده و در صورتی که قیمت‌ها پایین تر از نقطه تعادلی قرار گیرد، مازاد تقاضا سبب افزایش قیمت‌ها می‌گردد و در نهایت قیمت‌ها دوباره در سطح تعادلی قرار می‌گیرند. در حال حاضر نرخ سود تعیین شده برای تسهیلات (قیمت)، با توجه به میزان تقاضای بازار و محدودیت عرضه منابع سپرده‌ای، پایین تر از نرخ سود تعادلی

می‌باشد به گونه‌ای که برخورداران از تسهیلات بانکی را با نوعی از رانت اقتصادی مواجه ساخته و زمینه‌های فساد مالی را تقویت نموده است. دلیل این امر وجود صفوف طولانی و مازاد تقاضا برای دریافت تسهیلات بانکی در نرخ‌های سود کنونی می‌باشد.

● بررسی‌های انجام شده و نگاهی به نرخ‌های سود بانکی در ایران حاکی از منفی بودن نرخ واقعی سود طی سال‌های گذشته می‌باشد که از مصادیق بروز سرکوب مالی است. ارقام واقعی نرخ‌های سود سپرده‌های بانکی در ۲۲ سال اخیر نشان می‌دهد که سپرده‌های کوتاه‌مدت بانک‌ها که سهمی بالاتر از ۵۰ درصد از کل سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت دار را به خود اختصاص می‌دهند، همواره از نرخ سود منفی برخوردار بوده‌اند. سپرده‌های سرمایه‌گذاری یکساله نیز به استثنای چند سال اخیر در بقیه سال‌های مورد بررسی از نرخ سود منفی برخوردار بوده‌اند. سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت دار ۵ ساله که عمده‌ترین نوع سپرده‌های بلندمدت می‌باشند، طی سه سال اخیر به علت کنترل سیاست‌های تورمی توانسته نرخ سود واقعی مثبت داشته باشد. بدیهی است به لحاظ آثار منفی و زیانبار این امر، لازم است سیاست‌گذاران اقتصادی در جهت خروج از این وضعیت سیاست‌هایی را اتخاذ نمایند. مطالعات انجام شده نیز حاکی از آن است که خروج از وضعیت سرکوب مالی در ایران اثرات مثبت و مفیدی را بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی خواهد داشت.

● توجه به نرخ‌های سود سپرده‌ها و تسهیلات بانک‌های غیردولتی که هم‌اکنون در سطح بسیار بالایی در حال فعالیت می‌باشند، دلیل دیگری بر پایین‌تر بودن نرخ‌های سود بانک‌های دولتی از نقطه تعادل می‌باشد. شایان ذکر

است، تعیین سود سپرده‌ها و سود مورد انتظار تسهیلات اعطایی توسط بانک‌های غیردولتی بعهده خود بانک‌ها گذارده شده و تنها به آنها توصیه شده تا نرخ سود سپرده‌ها را حداکثر ۲ الی ۳ واحد درصد بالاتر از نرخ‌های سود مصوب شورای پول و اعتبار برای بانک‌های دولتی تعیین نمایند. بانک‌های غیردولتی براساس مصوبه مذکور در حال حاضر نرخ‌های سود سپرده‌ها و تسهیلات خود را بالاتر از نرخ‌های سود بانک‌های دولتی تعیین نموده‌اند و به دلیل وجود تقاضا در نرخ‌های بالاتر از ۲۵ درصد، تسهیلات این بانک‌ها با رشد فزآیندای روبرومی‌باشد.

• براساس مطالعات^۱ و برآوردهایی که بر روی نرخ‌های سود تسهیلات در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران انجام شده، نتایج قابل تاملی حاصل شده است. براین اساس نرخ‌های سود تسهیلات به معنای یک متغیر تاثیر گذار بر رشد و توسعه بخش‌های مختلف اقتصادی از جمله تولید و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، صنعت و... مطرح نبوده و تاثیر چندانی بر تولید بخش‌های مذکور ندارد. علت این امر آن است که سرمایه‌گذاری بخش خصوصی علی‌رغم انتظار برخی، به جای نرخ سود تسهیلات، بیشتر متاثر از متغیر ریسک اقتصادی است و تغییرات نرخ ارز در بازار آزاد (در شرایط قبل از یکسان سازی نرخ ارز) تعیین‌کننده اصلی هزینه سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی بوده است. به عبارت دیگر نرخ سود به مفهوم یک فاکتور در تصمیم‌گیری بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری همواره تحت‌الشعاع ارزیابی سرمایه‌گذاری از فاکتور ریسک، نااطمینانی‌ها و نوسانات نرخ ارز قرار دارد. لذا به منظور کاهش هزینه سرمایه‌گذاری در جهت تشویق آن، لازم است ریسک اقتصادی پایین آورده شده

۱- تحلیلی بر لزوم افزایش نرخ‌های سود بانکی، گزارش داخلی اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی

و نرخ ارز حداقل از ثبات نسبی برخوردار گردد که خوشبختانه با اعمال سیاست یکسان سازی نرخ ارز از ابتدای سال ۱۳۸۱ زمینه‌های ایجاد ثبات نسبی فراهم شده است. بدیهی است کاهش نرخ سود تسهیلات راه حل موثری جهت تشویق و تحریک سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نخواهد بود.

• تامین سالانه بیش از ۵۰ درصد منابع بودجه دولت از محل درآمد ارزی حاصل از صادرات نفت خام و تامین بخش دیگری از منابع بودجه از طریق برداشت از حساب ذخیره ارزی (OSF) و الزامات قانونی که بانک مرکزی را ملزم به تامین معادل ریالی ارقام مذکور و واریز آنها به حساب‌های خزانه‌داری کل می‌نماید، چالش جدی و همیشگی پیش‌روی مقامات بانک مرکزی در زمینه مدیریت نقدینگی و تورم است. از طرفی سیاست‌های معطوف به کنترل عرضه پول در حال حاضر به لحاظ کارایی و هزینه به سقف خود نزدیک شده است. بدین دلیل ضرورت دارد تا سیاست‌های کنترل تقاضا برای پول که مهمترین ابزار آن نرخ‌های سود بانکی است، به صورت فعال‌تری به کار گرفته شود. منطقی نمودن نرخ‌های سود بانکی در شرایط عدم کارایی ابزارهای کنترلی سمت عرضه پول و فقدان ابزارهای کنترلی تقاضا، ضرورتی اجتناب ناپذیر است.

• اعمال سیاست‌های معطوف به نرخ سود بانکی کنترل شده و غیر تعادلی با نگاه حمایتی از بخش‌های اقتصادی، تمایل تولیدکنندگان داخلی به استفاده از منابع بانکی را بجای استفاده از منابع داخلی ویا تامین مالی از بازار سرمایه به جهت واقعی بودن هزینه‌های آن، افزایش می‌دهد. نتیجه چنین سیاستی با توجه به محدودیت منابع بانکی، کاهش سرمایه‌گذاری و اشتغال خواهد بود. علاوه بر این چنین رویه‌ای، موجب نهادینه شدن نگرش استفاده از

دانش فنی سرمایه بر در برابر نوع کاربر آن گردیده و میل به استفاده از سرمایه را در فرآیند تولید تقویت می‌نماید. بدیهی است این نحوه نگرش، با سیاست‌های اشتغال زایی به معنای مهمترین چالش اقتصاد کشور مغایر است.

۵- بررسی آثار ناشی از کاهش نرخ سود تسهیلات و سپرده‌های بانکی

شاید چنین تصور گردد که نرخ‌های سود کنترل‌شده و پایین‌تر از نرخ‌های واقعی بازار و تورم، بتواند تقاضا برای سرمایه‌گذاری را افزایش دهد. لیکن باید توجه داشت که حجم سرمایه‌گذاری واقعی به واسطه روند نزولی در جذب پس‌اندازها جهت تامین این سرمایه‌گذاری‌ها، کاهش خواهد یافت. علاوه بر این، تقاضای اضافی ناشی از پایین بودن نرخ‌های سود، ممکن است در شرایطی منجر به سهمیه‌بندی منابع مالی موجود گردد و تسهیلات اعطایی توسط بانک‌ها و واسطه‌های مالی بر مبنای نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها صورت نگیرد. در چنین شرایطی، سایر عوامل غیراقتصادی در تصمیم‌گیری واسطه‌های مالی نقش اساسی را خواهد داشت. در نتیجه نرخ‌های کنترل شده نه تنها حجم سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد، بلکه می‌تواند منجر به کاهش متوسط نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها در مقایسه با حداکثر نرخ‌های بازدهی قابل حصول گردیده و روند تخصیص بهینه منابع مالی را مختل نماید.

واضح است که تغییرات قدرت خرید پول، می‌تواند ارزش واقعی سپرده افراد نزد بانک‌ها را تحت تاثیر قرار داده و بدین ترتیب فردی که نزد بانک سپرده تودیع می‌کند، در صورت ترقی قیمت‌ها در سررسید، مبلغی کمتر از ارزش واقعی آن در زمان تودیع دریافت می‌نماید. پیش‌بینی این وضعیت، می‌تواند موجب نگرانی افراد گردیده و تمایل آنان را بجای تودیع سپرده در بانک، به سایر گزینه‌ها برانگیزد و در نتیجه، بانک‌ها از مهمترین منابع تامین مالی خود محروم گردند. در حالی که اگر بانک‌ها بتوانند نگرانی

افراد از این بابت را رفع و آنان را به سپرده‌گذاری تشویق کنند، لزوماً بخشی از قدرت خرید خانوار پس‌انداز شده و کاهش تقاضا می‌تواند در کنترل تورم و تثبیت قدرت خرید پول موثر واقع شود و افراد با اطمینان از حفظ ارزش واقعی سپرده‌های خود به سپرده‌گذاری مبادرت نمایند. از دیگر تبعات منفی ناشی از اعمال نرخ‌های واقعی منفی سود بانکی، می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

- کاهش نرخ‌های سود سپرده‌های بانک‌ها بدون توجه به شاخص‌های کلان اقتصادی از جمله تورم نیز دارای آثار و عوارض منفی بر اقتصاد می‌باشد. در صورتی که نرخ‌های سود سپرده‌ها کاهش یابد، صاحبان سپرده‌های بلندمدت که با کاهش سود دریافتی مواجه شده‌اند، به سمت سپرده‌های دیداری روی آورده و از این سپرده‌ها برای فعالیت در بازارهای موازی (همچون بازار سهام، مستغلات، طلا و...) استفاده می‌نمایند و یامنابع خود را برای اخذ سود بیشتر در بازار غیرمستقل پولی و سایر فرصت‌های سرمایه‌گذاری به کار می‌گیرند. نتیجه چنین روندی، رونق حباب‌گونه بازار سهام، مستغلات، طلا و... و نهایتاً ایجاد فشارهای تورمی می‌باشد. همچنین این تغییر در ترکیب سپرده‌ها در جهت نقدتر شدن می‌تواند موجب افزایش سرعت گردش نقدینگی را فراهم آورد که به نوبه خود تورم را تشدید می‌نماید.

- از دیگر مشکلات ناشی از غیرواقعی بودن نرخ‌های سود بانکی، فرار سرمایه از کشور است. انتظارات مربوط به تضعیف ارزش پول ملی از یک طرف و نرخ‌های جذاب خارجی از طرف دیگر، تقاضا برای ارز را افزایش داده و می‌تواند به کاهش ذخایر ارزی و افزایش قیمت آن منجر شود.

• در صورت پایین بودن نرخ‌های سود بانکی در کشور، نرخ‌های سود بانک‌های غیر دولتی که فارغ از دستوره‌های اداری تعیین می‌شوند، بیشترین موفقیت را در جذب سپرده‌های بانکی نصیب بانک‌های غیردولتی می‌نماید. چراکه با توجه به تصمیمات عقلایی سپرده‌گذاران، سپرده‌های مردمی از سوی بانک‌های دولتی به سمت بانک‌های غیردولتی سرازیر شده و با توجه به عدم وجود سهمیه بندی بخشی برای این‌گونه بانک‌ها، حمایت از بخش‌هایی نظیر کشاورزی و صادرات با مشکلات مضاعفی مواجه خواهد شد.

با عنایت به موارد یاد شده، ملاحظه می‌گردد که در صورت کاهش نرخ‌های سود بانکی بدون کاهش نرخ تورم (به معنای مهم‌ترین پیش‌نیاز کاهش نرخ‌های سود بانکی)، تبعات منفی بسیاری متوجه اقتصاد شده و عملاً کنترلی بر پدیده عدم واسطه‌گری مالی (disintermediation) بانک‌ها وجود نخواهد داشت. بنابراین شرط اصلی و اساسی کاهش نرخ‌های سود بانکی، کاهش نرخ تورم در جامعه و به تبع آن تعدیل انتظارات تورمی مردم و در نهایت مثبت شدن نرخ‌های سود سپرده‌های بانکی می‌باشد.

همان‌طور که در جدول شماره (۱) قابل مشاهده است با کاهش نرخ تورم در ایران در طول سال‌های گذشته، سهم سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت دار از کل سپرده‌های بخش غیردولتی افزایش یافته است.

جدول شماره (۱)

سهم سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار از کل سپرده‌های بخش غیردولتی
(میلیاردریال - درصد)

بایان سال	سپرده‌ها سرمایه‌گذاری مدت‌دار (۱)	کل سپرده‌ها (۲)	نسبت (۱) به (۲)
۱۳۷۳	۲۲۵۱۶/۹	۵۳۱۴۳/۳	۴۲/۴
۱۳۷۴	۲۸۴۱۶/۹	۷۴۳۹۹/۲	۳۸/۲
۱۳۷۵	۳۵۸۴۷/۱	۱۰۳۳۳۶/۵	۳۴/۷
۱۳۷۶	۴۷۱۰۳/۸	۱۱۸۹۰۶/۱	۳۹/۶
۱۳۷۷	۶۲۴۲۹/۱	۱۴۱۶۲۸/۴	۴۴/۱
۱۳۷۸	۷۹۵۳۲/۰	۱۷۰۵۶۹/۹	۴۶/۶
۱۳۷۹	۱۰۳۳۶۳/۶	۲۲۳۹۵۲/۴	۴۶/۲
۱۳۸۰	۱۴۱۰۶۶/۵	۲۹۱۷۶۸/۶	۴۸/۳
۱۳۸۱	۱۸۵۸۶۲/۴	۳۸۲۷۴۳/۹	۴۸/۶
۱۳۸۲	۲۵۱۷۳۸/۲	۴۸۷۸۶۳/۹	۵۱/۶

۶- نرخ‌های بهره بانکی در سایر کشورها

در اقتصادهای متعارف سطح نرخ بهره به میزان عرضه منابع مالی (شامل وجوه پس انداز) و تقاضای منابع مالی بستگی دارد. توجه به این مطلب حائز اهمیت است، از آنجا که عرضه منابع مالی در اقتصادهای متعارف تحت کنترل مقامات پولی کشورها قرار دارد، حجم آن از حساسیت قابل ملاحظه نسبت به نرخ بهره برخوردار نیست، لیکن

تقاضای منابع مالی از حساسیت بالایی نسبت به نرخ بهره برخوردار بوده و با افزایش نرخ بهره تقاضای منابع مالی تقلیل می‌یابد.

در تمامی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه میزان نرخ‌های بهره بانکی همواره به عنوان ابزاری در دست سیاست‌گذاران پولی است که از این طریق بتوانند پس‌اندازهای موجود در دست مردم را جهت دهی نموده و به سمت بخش‌های مولد رهنمون شوند. همان‌گونه که در جدول مربوط به نرخ‌های بهره بانکی کشورهای مختلف آمده است، نرخ بهره واقعی سپرده‌های بانکی در اغلب کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، بالاتر از نرخ تورم و مثبت می‌باشد (جدول ۲). در حالی که نرخ‌های سود بانکی در ایران بخصوص نرخ سود سپرده‌ها اغلب از سودهای منفی برخوردار است. به عنوان مثال و همان‌طور که قبلاً ذکر شد میانگین موزون نرخ سود سپرده‌ها در سال ۱۳۸۲، ۱۲ درصد بوده است در حالی که نرخ تورم در همان مقطع ۱۵/۶ درصد می‌باشد که نشان‌دهنده تعلق ۳/۶ واحد درصد سود منفی به سپرده‌گذاران است و کاهش بیشتر این درصد به هیچ وجه منطقی و قابل قبول نیست.

۷- جمع‌بندی

در بانکداری متعارف، نرخ‌های بهره نه به صورت دستوری بلکه از تعامل نیروهای عرضه و تقاضا در بازار و تحت کنترل مقامات پولی شکل می‌گیرند. در چنین سیستم‌هایی نرخ‌های بهره به صورت ثابت و متغیر فعال بوده و امکان عقد قرارداد با نرخ‌های ثابت و متغیر به صورت آزاد وجود دارد. در حالی که در اقتصاد ایران، روش و فرآیند تعیین نرخ‌های سود بانکی با روش‌های تعیین نرخ در بانکداری متعارف متفاوت بوده و با ملاحظه بازدهی اقتصادی در بخش واقعی، قطعی گردیده و در مراحل اولیه به جهت دولتی بودن سیستم، با نگاه حمایتی از بخش‌های اقتصادی و همچنین با توجه به شاخص‌های کلی

اقتصادی (مانند تورم و...) به صورت دستوری توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌شوند. بنابراین نرخ‌های تعیین شده به دلیل ماهیت خاص خود از توانایی لازم برای برقراری تعادل ما بین عرضه و تقاضا و وجوه برخوردار نبوده و هیچ تضمینی وجود ندارد که نرخ سود تعیین شده از فرآیند مذکور نرخ تعادلی اقتصاد باشد.

علیرغم کاستی‌های موجود در فرآیند تعیین نرخ، تاکید می‌گردد که در شرایط کنونی، تغییر نرخ‌های سود بانکی می‌باید مستند به مطالعات کارشناسی و واقعیات اقتصاد کشور انجام گیرد و هر گونه کاهش در نرخ‌های سود بدون توجه به شاخص‌های اقتصادی (همانند تورم و...) باعث ایجاد صف و اختلال بیشتر در سیستم بانکی می‌شود. از بعد سپرده‌ها نیز کاهش نرخ سود باعث خروج منابع سپرده‌ای از شبکه بانکی، تغییر ترکیب سپرده‌های بانکی، رونق بازارهای موازی، رشد حساب گونه این بازارها، ایجاد فشارهای تورمی و گسترش بازار غیرمتشکل پولی گردیده و شرایط را برای فعالیت اشکال مختلف و مجدد شرکت‌های مضاربه‌ای مهیا می‌سازد.

از بحث‌های انجام گرفته در این بخش نتایج زیر قابل استنتاج است:

۱- نرخ تورم و نرخ سود واقعی سرمایه، مهمترین عوامل تعیین کننده نرخ سود بانکی می‌باشند. نکته مهم این است که شرط لازم جهت کاهش نرخ‌های سود، کاهش نرخ تورم می‌باشد. به عبارت دیگر جهت اثرگذاری رابطه مذکور از نرخ تورم به نرخ سود بانکی است.

۲- نرخ سود واقعی سرمایه بر اثر عواملی چون کمیابی سرمایه و سیاست‌های پولی بانک مرکزی تعیین می‌شود. در شرایط فعلی می‌توان این نرخ را در حد ۳-۴ درصد در نظر گرفت که در مقایسه با نرخ و سود واقعی سیستم بانکی بسیار بالاتر می‌باشد.

۳- تقلیل نرخ سود بانکی به کمتر از ۱۰ درصد طی یک افق زمانی چند ساله از طریق کاهش تدریجی تورم امکان پذیر است. بسته سیاستی ارایه شده در لایحه برنامه چهارم، راهکارهای لازم را برای دستیابی به این مهم ارایه کرده است.

جدول شماره ۲

نرخ‌های سود بانکی و تورم در برخی کشورها در سال‌های (۲۰۰۲-۲۰۰۳)

(درصد)

کشور	۲۰۰۲				۲۰۰۳			
	سپرده‌ها (واقعی)	تورم	سپرده‌ها	تسهیلات	سپرده‌ها (واقعی)	تورم	سپرده‌ها	تسهیلات
آمریکا	-۱.۱	۲.۳	۱.۲	۴.۱	۰.۲۳	۱.۵	۱.۷	۴.۷
انگلیس	...	۲.۹	...	۳.۷	...	۱.۶	...	۴.۰
فرانسه	۰.۶	۲.۱	۲.۷	۶.۶	۱.۱	۱.۹	۳.۰	۶.۶
کره	۰.۸	۳.۵	۴.۳	۶.۲	۲.۱	۲.۸	۴.۹	۶.۸
چین	۲.۰	۵.۳	۲.۸	-۰.۸	۲.۰	۵.۳
اندونزی	۴.۷	۵.۹	۱۰.۶	۱۶.۹	۴.۱	۱۱.۴	۱۵.۵	۱۹.۰
مالزی	-۲.۶	۵.۷	۳.۱	۶.۳	-۱.۳	۴.۵	۳.۲	۶.۵
مکزیک	-۱.۵	۴.۶	۳.۱	۶.۹	-۲.۲	۵.۱	۲.۹	۹.۴
ونزوئلا	-۱۴	۳۱.۲	۱۷.۲	۲۵.۱	۶.۶	۲۲.۴	۲۹.۰	۳۶.۶
برزیل	۷.۲	۱۴.۸	۳۲.۰	۶۷.۱	۱۱.۰	۸.۴	۱۹.۴	۶۲.۹
سنگاپور	۰.۰	۰.۵	۰.۵	۵.۳	۱.۳	-۰.۴	۰.۹	۵.۴
ژاپن	-۰.۲	۲.۹	۲.۷	۶.۲	۱.۳	۲.۵	۳.۸	۷.۸
میانمار	۹.۵	۱۵.۰	-۴۷.۶	۵۷.۱	۹.۵	۱۵.۰
تایلند	-۱.۴	۴.۵	۳.۱	۱۴.۵	-۱.۳	۴.۶	۳.۳	۱۶.۴
بحرین	۰.۱	۱.۲	۱.۳	۸.۵

Financial Statistics International : ماخذ

جدول شماره (۳)

حاشیه سود بانکی (spread) در برخی کشورها طی دوره (۲۰۰۲-۲۰۰۳)

(ارقام به درصد)

کشور	۲۰۰۲			۲۰۰۳		
	نسبیلات	سپرده‌ها	spread	نسبیلات	سپرده‌ها	spread
آمریکا	۴/۷	۱/۷	۳/۰	۴/۷	۱/۲	۲/۹
فرانسه	۶/۶	۳/۰	۳/۶	۶/۶	۲/۷	۳/۹
اندونزی	۱۹/۰	۱۵/۵	۳/۵	۱۶/۹	۱۰/۶	۶/۳
مکزیک	۹/۴	۲/۹	۶/۵	۶/۹	۳/۱	۳/۸
ونزوئلا	۳۶/۶	۲۹/۰	۷/۶	۲۵/۱	۱۷/۲	۷/۹
آرژانتین	۵۱/۷	۳۹/۳	۱۲/۴	۱۹/۲	۱۰/۲	۹/۰
برزیل	۶۲/۹	۱۹/۴	۴۳/۵	۶۷/۱	۲۲/۰	۴۵/۱
بنگلادش	۵/۴	۰/۹	۴/۵	۵/۳	۰/۵	۴/۸
چین	۵/۳	۲/۰	۲/۳	۵/۳	۲/۰	۳/۳
میانمار	۱۵/۰	۹/۵	۵/۵	۱۵/۰	۹/۵	۵/۵
تایوان	۱۶/۴	۳/۳	۱۳/۱	۱۴/۵	۳/۱	۱۱/۴

جدول ۴- نرخ سود موزون سپرده‌ها و تسهیلات بانکی

(درصد)

سال	نرخ موزون سپرده‌ها	نرخ موزون تسهیلات	نرخ تورم	نرخ سود واقعی سپرده‌ها	نرخ سود واقعی تسهیلات
۱۳۶۸	۶.۹	۱۰.۹	۱۷.۴	-۱۰.۵	-۶.۵
۱۳۶۹	۸.۰	۱۳.۷	۹.۰	-۱.۰	۴.۷
۱۳۷۰	۸.۸	۱۲.۷	۲۰.۷	-۱۱.۹	-۸.۰
۱۳۷۱	۱۰.۲	۱۳.۴	۲۴.۴	-۱۴.۲	-۱۱.۰
۱۳۷۲	۱۱.۲	۱۶.۴	۲۲.۸	-۱۱.۶	-۶.۵
۱۳۷۳	۱۱.۱	۱۶.۴	۲۵.۲	-۲۴.۱	-۱۸.۹
۱۳۷۴	۱۲.۵	۱۶.۷	۴۹.۴	-۳۶.۹	-۳۲.۷
۱۳۷۵	۱۲.۴	۱۷.۶	۲۳.۲	-۱۰.۸	-۵.۶
۱۳۷۶	۱۲.۶	۱۷.۲	۱۷.۳	-۴.۷	-۰.۱
۱۳۷۷	۱۲.۷	۱۷.۵	۱۸.۱	-۵.۴	-۰.۶
۱۳۷۸	۱۲.۸	۱۷.۱	۲۰.۱	-۷.۳	-۳.۰
۱۳۷۹	۱۲.۹	۱۷.۸	۱۲.۶	۰.۳	۵.۲
۱۳۸۰	۱۲.۰	۱۷.۴	۱۱.۴	۰.۶	۶.۰
۱۳۸۱	۱۲.۰	۱۶.۹	۱۵.۸	-۳.۸	۱.۱
۱۳۸۲	۱۲.۰	۱۶.۵	۱۵.۶	-۳.۶	۰.۹
متوسط ۱۳۶۸-۱۳۷۲	۹.۰	۱۳.۴	۱۸.۹	-۹.۹	-۵.۵
متوسط ۱۳۷۲-۱۳۷۸	۱۲.۶	۱۷.۲	۲۵.۶	-۱۳.۰	-۸.۴
متوسط ۱۳۷۹-۱۳۸۲	۱۲.۲	۱۷.۱	۱۳.۹	-۱.۶	۲.۳

فهرست منابع و مآخذ

منابع خارجی :

- ۱ – Maxwell j. fry, Money, "Interest and Banking in Economic of Development" , University of Birmingham, The Jone Hopkins University , ۱۹۹۵
- ۲ – International Financial Statistics, International Monetary Fund , ۲۰۰۳
- ۳ – Sergio perira V. Sundavajan, "Issues In Interest Rate Management and Liberalization, IMF Staff Vol.۳۷ No ۱ (December ۱۹۹۰)
- ۴ – John p. Judd and Glenn D. Rudebusch, "Taylors Rule and Fed : ۱۹۷۰-۱۹۹۷" , FRBSF Economic Review ۱۹۹۸, Number ۳

منابع داخلی :

- ۵ - نجفی، بهاء‌الدین، "آزاد سازی مالی و اثرات افزایش نرخ سود بانکی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی"، چهارمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، موسسه تحقیقات پولی و بانکی، اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۳
- ۶ - ویلیام ا.چ. برانسون، تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان، جلد دوم
- ۷ - اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، "تحلیلی بر لزوم افزایش نرخ‌های سود بانکی"، سال ۱۳۷۹
- ۸ - جمشیدی، ابوالقاسم، "سیاست‌گذاران پولی"، شرکت سرمایه‌گذاری توسعه صنعتی ایران، دیماه سال ۱۳۸۱
- ۹ - نماگرهای اقتصادی، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره های مختلف

